



An Examination of Financial and Transactional Laws and Regulations in the Oil and Gas Sector from the Perspective of Islamic Jurisprudence

Atiyeh Pourali¹, Abolqasem Naqibi^{2*}, Mohsen Mohebi³, Asghar Arabian⁴

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran.
3. Department of Public and International Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
4. Department of Private Law, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:1-18

Article history:

Received: 23 Feb 2025

Edition: 30 Mar 2025

Accepted: 14 May 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Oil and gas, Financial Laws and Regulations, Supervisory Institutions, Islamic Jurisprudence.

Corresponding Author:

Abolqasem Naqibi

Address:

Iran, Tehran, Shahid Motahari University, Faculty of Humanities, Department of Jurisprudence and Law.

Orchid Code:

0000-0001-7761-7832

Tel:

09123879096

Email:

Da.naghobi@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aims: Background and Objectives: The oil and gas industry, as one of the most important and strategic economic sectors in producing countries, requires efficient financial and transactional laws and regulations. This research examines the existing laws and regulations in the oil and gas sector and aims to identify the challenges and opportunities in this field to improve financial and transactional processes .

Materials and Methods: This article is descriptive-analytical. The materials and data are qualitative, and note-taking was used to collect information and data.

Ethical Considerations: In this article, the authenticity of texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: The findings of this research indicate that financial and transactional laws and regulations in the oil and gas sector in different countries vary according to the political and economic conditions of those countries. Also, the existence of strong supervisory institutions and appropriate tax systems can help reduce corruption and increase transparency. Also, compliance with environmental requirements in laws is one of the important issues that should be considered.

Conclusion: Creating a comprehensive and transparent legal framework in the field of oil and gas laws can lead to attracting more investment, reducing corruption, and promoting sustainable development. Optimal utilization of all the capacities of this industry requires making the necessary reforms in the laws and focusing on strengthening supervisory institutions.

Cite this article as:

Pourali, A; Naqibi, A; Mohebi, M; Arabian, M-H. *An Examination of Financial and Transactional Laws and Regulations in the Oil and Gas Sector from the Perspective of Islamic Jurisprudence* Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

قوانین و مقررات مالی و معاملاتی حوزه نفت و گاز از منظر فقه اسلامی

عطیه پورعلی^۱، سیدابوالقاسم نقیبی^{۲*}، محسن محبی^۳، اصغر عربیان^۴

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.
۳. گروه حقوق عمومی و بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: صنعت نفت و گاز به عنوان یکی از مهمترین و استراتژیک ترین بخش های اقتصادی در کشورهای تولید کننده، نیازمند قوانین و مقررات مالی و معاملاتی کارآمد است. این تحقیق به بررسی قوانین و مقررات موجود در حوزه نفت و گاز می پردازد و هدف آن شناسایی چالش ها و فرصت های موجود در این زمینه به منظور بهبود فرایندهای مالی و معاملاتی است.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده های گردآوری شده ماهیت کیفی دارند و روش گردآوری اطلاعات بر مبنای فیش برداری انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون حفظ شده و اصول صداقت و امانت داری رعایت گردیده است.

یافته ها: بررسی های این تحقیق بیانگر آن است که قوانین و مقررات مالی و معاملاتی در حوزه نفت و گاز در کشورهای مختلف، با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی آن کشورها متفاوت است. همچنین وجود نهادهای نظارتی قوی و سیستم های مالیاتی مناسب می تواند به کاهش فساد و افزایش شفافیت کمک کند. همچنین رعایت الزامات زیست محیطی در قوانین از جمله موارد مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه: ایجاد یک چارچوب قانونی جامع و شفاف در حوزه قوانین نفت و گاز می تواند منجر به جذب سرمایه گذاری بیشتر، کاهش فساد و ارتقاء توسعه پایدار گردد. بهره برداری بهینه از تمام ظرفیت های این صنعت، نیازمند انجام اصلاحات لازم در قوانین و تمرکز بر تقویت نهادهای نظارتی می باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

نفت و گاز، قوانین و مقررات مالی، نهادهای نظارتی، فقه اسلامی.

نویسنده مسئول:

سیدابوالقاسم نقیبی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شهید مطهری، دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و حقوق.

تلفن:

09123879096

کد ارکید:

0000-0001-7761-7832

پست الکترونیک:

Da.naghibi@yahoo.com

۱. مقدمه

نفت از دیرباز به عنوان یک ماده ارزشمند مورد استفاده قرار می‌گرفت اما اکتشاف و بهره‌برداری از آن به عنوان منبع انرژی در مقیاس صنعتی، پدیده‌ای است که در قرن نوزدهم میلادی آغاز شد. این روند ابتدا در جهان و بصورت مشخص در آمریکا که با حفر اولین چاه نفت در پنسیلوانیا و در سال ۱۸۵۹ آغاز شد و سپس در روسیه و آسیای میانه در دهه‌های ۱۸۷۰ و نهایتاً در قرن بیستم در خاورمیانه و در کشورهای ایران، عراق و عربستان اتفاق افتاد که باعث شکل‌گیری تحولات عمده اقتصادی و سیاسی گردید. نفت و گاز به عنوان دو منبع اصلی انرژی، نقش بسیار مهمی در اقتصاد و سیاست دارند. این منابع طبیعی نه تنها به عنوان منبع سوخت و تولید انرژی بلکه به عنوان مواد اولیه برای صنایع پتروشیمی و بسیاری از فرآورده‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. در بسیاری از کشورها همچون ایران، به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد دولت محسوب شده و درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز برای تأمین بودجه عمومی، سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها، توسعه بخش‌های غیرنفتی و ایجاد اشتغال نقشی حیاتی دارند. همچنین ابزار قدرت سیاسی بوده و نقش کلیدی در تعیین روابط بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های جهانی ایفا می‌کنند. بنابراین کشورهای دارای این منابع از قدرت اقتصادی و سیاسی بیشتری برخوردارند. در کشورهای اسلامی از جمله ایران که نظام حقوقی و اقتصادی آن مبتنی بر فقه اسلامی تدوین شده است، ضرورت تطبیق قوانین و مقررات مالی با اصول و مبانی شرعی، امری اجتناب‌ناپذیر است. با درک این اهمیت و با توجه به این که در حقوق ایران و مطابق با اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی،

معادن تحت مالکیت عموم مردم قرار گرفته است و اعمال این حق مالکیت به ترتیب به عهده دولت و حکومت اسلامی گذاشته شده است و لذا نحوه مدیریت، استخراج، فروش و توزیع درآمدهای ناشی از این منابع باید مطابق با احکام فقهی باشد؛ رهیافت پژوهش حاضر معطوف به ارائه پاسخی تحلیلی براساس مبانی فقهی حقوقی به این سوال است که: قوانین و مقررات مالی حاکم بر حوزه نفت و گاز در جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه با اصول و احکام فقه اسلامی انطباق دارند و با توجه به تحولات فناورانه و الزامات بین‌المللی، چه اصلاحات فقهی-حقوقی برای ارتقای مشروعیت این نظام مقرراتی ضروری است؟ نگارندگان این تحقیق ضمن بررسی و تحلیل میزان همخوانی و تطابق این قوانین و مقررات با اصول و احکام فقه اسلامی، این فرضیه را مطرح نموده‌اند که به نظر می‌رسد بخشی از قوانین و مقررات مالی در حوزه نفت و گاز، به‌ویژه در زمینه قراردادهای بین‌المللی و نحوه توزیع درآمدهای نفتی، با اصول فقهی اسلامی تطابق کامل ندارند و به بازنگری ساختاری و اجتهادی نیاز دارند. در صورت اعمال اصلاحات مبتنی بر فقه حکومتی و فقه اقتصادی عدالت‌محور، می‌توان الگویی منسجم‌تر، مشروع‌تر و کارآمدتر برای مدیریت این منابع راهبردی ارائه کرد. ضرورت انجام این تحقیق از آن جا نشأت می‌گیرد که برخی از قوانین و مقررات مالی فعلی در حوزه نفت و گاز به‌ویژه در زمینه قراردادهای بین‌المللی و نحوه توزیع درآمدهای نفتی با مبانی فقهی در تضاد هستند. این تضادها عمدتاً در زمینه‌هایی مانند مالکیت عمومی، عدالت در توزیع منابع و نحوه مشارکت شرکت‌های خصوصی و خارجی در بهره‌برداری منابع نفت و گاز مشاهده می‌شود.

برای اصلاحات فقهی و حقوقی می‌پردازد. این رویکرد می‌تواند هم در ارتقای مشروعیت نظام حقوقی انرژی و هم در افزایش کارآمدی آن نقش‌آفرین باشد.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های گردآوری‌شده ماهیت کیفی دارند و روش گردآوری اطلاعات بر مبنای فیش‌برداری انجام شده است

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون حفظ شده و اصول صداقت و امانت‌داری رعایت گردیده است.

۴. یافته‌ها

بررسی‌های این تحقیق بیانگر آن است که قوانین و مقررات مالی و معاملاتی در حوزه نفت و گاز در کشورهای مختلف، با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی آن کشورها متفاوت است. همچنین وجود نهادهای نظارتی قوی و سیستم‌های مالیاتی مناسب می‌تواند به کاهش فساد و افزایش شفافیت کمک کند. همچنین رعایت الزامات زیست‌محیطی در قوانین از جمله موارد مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۵. بحث

صنعت نفت ایران به عنوان یک از حیاتی‌ترین صنایع کشور، همواره تحت تأثیر الزامات قانونی متعددی بوده است و علاوه بر قوانین عمومی و بالادستی کشور، از قوانین و مقررات اختصاصی متعددی هم تبعیت می‌کند. قوانین و مقررات نفت و گاز نه تنها پایه و اساس فعالیت این صنعت می‌باشد که متضمن رشد و توسعه اقتصادی کشور است. منابع نفت و گاز به عنوان سرمایه‌های ملی باید براساس عدالت اقتصادی و اصول برگرفته از مبانی فقه امامیه مدیریت شوند. ضرورت این

پیشینه این موضوع در مطالعات فقهی حقوقی چندان گسترده نبوده و بیشتر تحقیقات موجود یا در حوزه حقوقی قوانین، مقررات و قراردادهای نفتی متمرکز بوده و یا اگر از منظر فقهی تحقیق شده است صرفاً به صورت موردی و بیشتر ناظر به برخی از جنبه‌های قراردادهای نفت و گاز می‌باشد. به عنوان نمونه: زهراگودرزی و محمود باقری (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان: تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی، به بررسی قوانین جدید از جمله قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه (۱۳۹۰)، قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰) و قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱) پرداخته و تلاش نموده است مفاد این مقررات را در چارچوب قانون اساسی، قوانین دیگر و نظام حقوقی کشور، تفسیر و بررسی نماید. نمونه دیگری از پژوهش‌های این حوزه تلاش نویسندگان: میثمی، رجبی و رنجبران (۱۴۰۰)، در پژوهشی است با عنوان «تحلیل فقهی ماهیت هزینه‌های پول در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران»، به شبهات مهم فقهی در بحث هزینه پول در قراردادهای بالادستی نفت و گاز (شامل بیع متقابل و IPC) و راهکارهای شرعی آن پرداخته است. با وجود آثار ارزشمندی که به صورت پراکنده در راستای انطباق قوانین خاص نفت و گاز با شریعت اسلامی انجام شده است؛ اما نیاز به پژوهش‌های جامع‌تر به خوبی احساس می‌گردد. نوآوری این پژوهش در ارائه الگویی نظام‌مند و تحلیلی برای سنجش تطابق مقررات مالی نفت و گاز با فقه اسلامی است که برخلاف اغلب تحقیقات پیشین، صرفاً به تحلیل موردی یا توصیفی نپرداخته، بلکه با رویکردی تطبیقی، به آسیب‌شناسی جامع وضع موجود و ارائه چارچوبی

قرارگرفت اما در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که فعالیت بخش خصوصی در بخش‌های بالادستی و بنیانی اقتصاد توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ مجاز گردید؛ تغییر یافته و در قانون معادن ۱۳۷۷ و اصلاحیه بعدی آن در سال ۱۳۹۰ و با توجه به تلاش قانون‌گذار برای رفع موانع حضور بخش خصوصی، اصلاح گردید.

۵-۱-۲. قانون تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ساختار سیاسی و اقتصادی ایران دچار تغییرات اساسی شد. با توجه به اهمیت منابع نفتی در اقتصاد کشور و نیاز به بازتعریف روابط داخلی و بین‌المللی، ضرورت ایجاد یک وزارتخانه با اهداف و وظایف متفاوت از گذشته احساس شد. از همین رو، در روز هشتم مهرماه سال ۱۳۵۸، لایحه قانونی تشکیل وزارت نفت به تصویب شورای انقلاب رسید. این اقدام به عنوان بخشی از فرایند بازسازی و تجدید ساختار دولت، به ویژه در حوزه انرژی و نفت در راستای استقلال و کنترل منابع نفتی کشور صورت گرفت. این در حالی است که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه صنعت نفت در قالب شرکت ملی نفت ایران شکل گرفته بود و وزارت نفت وجود خارجی نداشت.

براساس قانون تأسیس وزارت نفت، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز، صنایع پتروشیمی و همه شرکت‌های تابعه به‌عنوان زیرمجموعه وزارت نفت قلمداد شده و موظف شدند پس از تهیه و تدوین آیین‌نامه‌ها، مقررات و اتخاذ روش‌ها و سیستم‌های تشکیلاتی، تمام امور خود را زیر نظر وزیر نفت انجام دهند. تا پیش از تصویب قانون تأسیس وزارت نفت، شرکت ملی نفت ایران، تنها

تحقیق از آن جا ناشی می‌شود که هرگونه انحراف از مبانی فقهی در قوانین و مدیریت این منابع می‌تواند منجر به نقض عدالت و ایجاد نارضایتی اجتماعی و اقتصادی شود. از سویی دیگر، بررسی دقیق فقهی قوانین و مقررات مالی این حوزه می‌تواند به ایجاد چارچوب‌های جدیدی برای تعامل با شرکت‌های بین‌المللی و مدیریت بهتر منابع کمک کند. آن چه در این بحث به آن پرداخته شده است در گام اول، تحلیل و بررسی قوانین و مقررات مالی حوزه نفت و گاز و درگام بعدی، سنجش مطابقت این قوانین با مبانی فقهی و کشف تضاد احتمالی قوانین این حوزه با اصول فقهی امامیه و ارائه راهکار رفع چالش موجود است.

۵-۱-۱. قوانین و مقررات بالادستی

قوانین ملی هر کشور چارچوب حقوقی اصلی را برای فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز در آن کشور فراهم می‌کند. در ذیل این قوانین مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است:

۵-۱-۱-۱. قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور، به طور مشخص، منابع نفتی ذکر نشده است و به صورت صریح نیز در هیچ یک از اصول قانون اساسی مطرح نشده است. اما در دو اصل ۴۴ و ۴۵ مواردی در خصوص معادن بیان گردیده که شامل معادن نفت و گاز نیز می‌شود. از این اصول این گونه استنباط می‌گردد که معادن نفت و گاز متعلق به تمام مردم و در مالکیت عموم است. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، اکتشاف، بهره‌برداری و استخراج معادن بزرگ، در اختیار دولت قرار دارد. این رویکرد در قانون معادن مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه آن (۱۳۶۴) به شدت مورد توجه

■ نقش شرکت ملی نفت: قانون نفت ۱۳۶۶، شرکت ملی نفت ایران را به عنوان متولی اصلی تمامی امور مربوط به منابع نفت و گاز تعیین کرده است. وظایفی مانند اکتشاف، استخراج، تولید و فروش نفت و گاز «بر اساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون به عهده وزارت نفت می‌باشد که باید بر طبق اصول و برنامه‌های کلی کشور عمل نماید».

■ محدودیت‌های قراردادهای خارجی: در قانون نفت ۱۳۶۶ محدودیت‌هایی برای قراردادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی وضع شده است. این قراردادها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که مالکیت منابع نفت و گاز همچنان در اختیار دولت باقی بماند. این قانون تأکید نموده است که واگذاری مالکیت این منابع به خارجیان یا خصوصی سازی آن‌ها ممنوع است (ماده ۲).

وفق ماده ۴ این قانون، وزارت نفت مجاز است به منظور انجام عملیات نفتی و بهره‌برداری در سراسر کشور، فلات قاره و دریاها، نسبت به تأسیس شرکت‌های مرتبط اقدام نماید. اساسنامه‌های شرکت‌های فعال در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی لازم‌الاجرا خواهد بود. این ماده بر لزوم تصویب اساسنامه‌ها توسط مجلس تأکید دارد که نشان‌دهنده نظارت قانونی بر فعالیت‌های مرتبط با منابع نفتی است. «کلیه درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، گاز طبیعی و میعانات گازی، پس از کسر پرداخت‌های بیع متقابل، به‌طور مستقیم به خزانه‌داری کل کشور نزد بانک مرکزی واریز می‌شود. این ماده بر شفافیت مالی و استفاده

مالک مخازن نفتی و گازی کشور بود به طوری که درآمدهای حاصل از فروش نفت نیز به این شرکت تعلق می‌گرفت اما با تصویب شورای انقلاب و ایجاد وزارت نفت، مالکیت نفت کشور به نمایندگی از حکومت اسلامی در اختیار این وزارتخانه قرار گرفت. بر اساس لایحه چهار ماده‌ای تصویب شده که از سوی مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت پیشنهاد شده بود، وزیر نفت عضو شورای اقتصاد شد و مسئولیت‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی در امور نفت به این وزارتخانه تفویض شد (گودرزی و رستمی، ۱۳۹۷، ۵۲۵).

۵-۱-۳. قانون نفت مصوب ۱۳۶۶

قانون نفت، به‌عنوان اصلی‌ترین قانون مالی حوزه نفت و گاز ایران، ساختار مدیریت و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز را مشخص نموده است. طبق این قانون، منابع نفت و گاز جزء انفال محسوب می‌شوند و در مالکیت عمومی قرار دارند. مدیریت و کنترل این منابع به دولت و نهادهایی مانند وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران واگذار شده است. قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ در سه بخش اصلی تدوین شده و شامل موارد ذیر است:

■ مالکیت و مدیریت منابع نفت و گاز: براساس این قانون منابع نفت و گاز جزو انفال و ثروت‌های عمومی تلقی شده و تحت مالکیت و کنترل دولت قرار دارد. «طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد و کلیه تأسیسات و تجهیزات و دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در داخل و خارج کشور توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه به عمل آمده و یا خواهد آمد، متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی خواهد بود».

از درآمدهای نفتی در راستای منافع ملی تأکید دارد» (ماده ۱۴). با تصویب این قانون، قانون نفت مصوب ۱۳۵۳/۵/۸ لغو می‌گردد. این اقدام به منظور به روزرسانی و تطبیق قوانین با شرایط جدید و حفظ منافع ملی صورت گرفته است. در مجموع، قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ با تأکید بر مالکیت عمومی و حاکمیت ملی بر منابع نفتی، سازوکارهای نظارتی و اجرایی مناسبی را برای بهره‌برداری بهینه و حفظ منافع ملی پیش‌بینی کرده است. بنابراین از آنجا که فقه امامیه منابع نفت و گاز را در زمره انفال و ثروت‌های عمومی شناسایی نموده و تحت مالکیت عمومی و مدیریت ولی فقیه قرار داده است؛ این قانون نیز با لحاظ الزام حقوقی ناظر بر عدم امکان انتقال مالکیت معادن نفت و گاز و لزوم رعایت مصالح عمومی، با فقه امامیه تطابق کامل دارد.

۵-۱-۴. قانون نفت مصوب ۱۳۹۰

دومین قانون نفت پس از انقلاب، در تیرماه ۱۳۹۰ به تصویب مجلس رسید. این قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ و لغو قانون نفت ۱۳۵۳ که در واقع یکی از مهمترین ویژگی‌های این قانون است. در ماده ۲ این قانون، «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی تلقی شده و اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت قرارداد شده است». قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ که به‌طور رسمی تحت عنوان «قانون اصلاح قانون نفت» شناخته می‌شود، با هدف به روز رسانی و اصلاح مقررات حوزه نفت در ایران و متناسب با تحولات جهانی و نیازهای جدید اقتصادی کشور طراحی شده است. یکی از مهم‌ترین اصلاحات قانون نفت ۱۳۹۰ این است که پروژه‌های نفتی و گازی باید به‌گونه‌ای

برنامه‌ریزی و مدیریت شوند که سهم دولت ایران از درآمدهای نفتی افزایش یابد. این اصلاحات همچنین زمینه‌های جدیدی برای مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کرده‌اند، اما این مشارکت‌ها باید در قالب مدل‌های جدید قرارداد باشد که منافع ملی را به‌طور کامل در نظر بگیرد. این قانون، مدل‌های جدید قرارداد نفتی را معرفی کرده که علاوه بر تضمین منافع ملی، شرایط بهتری برای شرکت‌های خارجی فراهم می‌آورد. مدل‌های جدید مانند قراردادهای IPC، به‌گونه‌ای طراحی شده که علاوه بر تضمین منافع مالی، به‌ویژه در زمینه توسعه و انتقال فناوری‌های نوین به کشور نیز کمک می‌کند. این قراردادها بر مبنای مشارکت میان دولت و شرکت‌های نفتی خارجی شکل می‌گیرند و هدف اصلی آنها، توسعه منابع نفتی ایران در شرایطی است که اولویت‌های کشور در حفظ منافع ملی و استقلال اقتصادی رعایت شود. در این مدل‌ها، شرکت‌های خارجی به‌جای بهره‌برداری از منابع به‌صورت مستقیم، در زمینه‌های توسعه‌ای و فناوری‌های نوین همکاری می‌کنند و به‌این‌ترتیب، منافع بلندمدت ایران تأمین می‌شود (سعیدی، ۱۴۰۳، ۴۵). اگرچه که برخی از مخالفان قراردادهای جدید معتقدند که این مدل‌ها منافع کشور را در درازمدت تضمین نمی‌کند و ممکن است به‌نوعی وابستگی‌های جدیدی به شرکت‌های خارجی ایجاد کند که به‌طور مستقیم با منافع ملی در تضاد است. در مجموع، قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ در مقایسه با قوانین قبلی، تلاش کرده است تا اصول مالکیت منابع نفتی را حفظ کرده و ضمن فراهم کردن شرایط مناسب برای همکاری با شرکت‌های خارجی، منافع ملی کشور را به‌طور کامل تضمین کند. اصلاحات صورت‌گرفته به‌ویژه در زمینه نحوه

- امور اجرایی و ایجاد و توسعه زیرساخت های نفتی

- برقراری همکاری با نهادهای بین‌المللی، طراحی و تنظیم راهبردهای دیپلماسی انرژی کشور، و نقش‌آفرینی در تقویت امنیت ملی از طریق بهره‌برداری از منابع انرژی، با مشارکت سازمان‌های مرتبط، در چارچوب سند ملی راهبرد انرژی و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران.

به صورت کلی دو وظیفه مهم سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری بر اساس این قانون، به وزارت نفت محول گردیده است.

۵-۱-۶. قانون رفع موانع تولید رقابت

پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (۱۳۹۴)

این قانون با هدف بهبود فضای کسب و کار، افزایش شفافیت در فعالیت های اقتصادی، ارتقای رقابت پذیری تولیدات داخلی و جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی تدوین شده است. صنعت نفت و گاز به دلیل نقش حیاتی در اقتصاد ایران، از مهمترین بخش هایی است که تحت تأثیر این قانون قرار می گیرد. بنابراین محورهای مرتبط این قانون با صنعت نفت و گاز عبارت است از:

- جذب سرمایه گذاری خارجی، این قانون تسهیلاتی برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع راهبردی از جمله نفت و گاز فراهم می‌کند. به‌ویژه از طریق تسهیل فرایند انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری و کاهش محدودیت های اداری. (ماده ۱۹).

- افزایش شفافیت مالی و نظارت بر درآمدها نفتی در ماده ۲۸ این قانون که شرکت‌های فعال در حوزه انرژی مکلف به ارائه گزارش‌های مالی شفاف به دستگاه‌های نظارتی شده‌اند.

تعامل با شرکت‌های خارجی و مدل‌های قرارداد نفتی، با هدف استفاده بهینه از منابع نفتی و گازی کشور در جهت تقویت اقتصاد ملی و توسعه پایدار طراحی شده‌اند. هرچند که اجرای این قوانین هنوز با چالش‌هایی همراه است، اما به‌طور کلی، این قانون گام مهمی در راستای بهره‌برداری مؤثرتر و حفظ منافع ملی در این حوزه محسوب می‌شود.

۵-۱-۵. قانون وظایف و اختیارات وزارت

نفت مصوب ۱۳۹۱

این قانون، تأمین منافع ملی را به عنوان یکی از اهداف اصلی خود مطرح نموده است. این هدف در ماده (۱)، با عبارت «به منظور تحقق سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش نفت و گاز» بیان شده است. به این ترتیب کلیه فعالیت‌های وزارت نفت باید در راستای تحقق اهداف کلان نظام و تأمین منافع ملی انجام شود. از ویژگی‌های مهم این قانون، تأکید بر مالکیت دولت بر منابع نفتی و گازی است. از مفاد این قانون مالکیت انحصاری دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به منابع نفت و گاز تحت نظارت وزارت نفت برداشت می‌گردد. ماده (۳) به وزارت نفت اختیارات قانونی وسیعی می‌دهد که شامل مدیریت، اکتشاف، استخراج، تولید، انتقال و توزیع منابع نفتی و گازی کشور می‌شود. این اختیارات باید با رعایت اصل مالکیت عمومی و در راستای تأمین منافع ملی باشد.

اهم وظایف و اختیارات وزارت نفت بر اساس ماده ۳ این قانون عبارت است از:

- سیاست‌گذاری در بخش انرژی،
- نظارت بر بهره‌برداری از ذخایر و منابع نفتی، نظارت بر نگهداری، تجارت، تأمین و سرمایه‌گذاری.

می‌کند. ماده ۲۶ با رویکرد بازنگری در سیاست‌های مالی، می‌تواند منجر به تنظیم و اصلاح سیاست‌های مالی و مالیاتی مربوط به استخراج و صادرات نفت و گاز کمک نماید.

۵-۲. قراردادهای نفتی

قراردادهای نفتی از مهم‌ترین مباحث در حوزه قوانین و مقررات مالی و معاملاتی نفت و گاز، محسوب می‌شوند. این قراردادها براساس نوع تجارت و موقعیت طرفین قرارداد در هر کشور متفاوت هستند. پس از انقلاب اسلامی ایران، قانون‌گذار قانون اساسی در خصوص مشارکت بخش خصوصی به طور عام و سرمایه‌گذار خارجی به طور خاص، محدودیت‌هایی را اعمال نمود. اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان را مطلقاً ممنوع دانست». همچنین در اصل ۸۲ قانون اساسی، «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع گردید مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی». همچنین اصل ۱۵۳، سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی را ممنوع اعلام نمود. با بررسی دقیق اصول قانون اساسی می‌توان دریافت که هرچند در این قانون به‌طور صریح به الگوی قراردادی خاصی برای اکتشاف، تولید و فروش نفت و گاز اشاره نشده است، اما مفاد برخی اصول آن، از جمله اصول ۴۴، ۴۵، ۸۱ و ۱۵۳، حاوی احکامی است که بر نحوه انتخاب الگوی قراردادی مناسب در حوزه نفت و گاز اثرگذار بوده و محدودیت‌هایی را در این زمینه ایجاد می‌کند. (محبی، ۱۳۸۶، ۱۶۶).

انعقاد قرارداد در صنعت نفت به این صورت است که پس از تهیه نقشه‌ها و مشخصات اجرایی طرح، اسناد مناقصه منتشر و از پیمانکاران جهت شرکت

مدیریت منابع مالی نفت و گاز، در مواد ۱۲ و ۱۶ این قانون، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی از جمله در پالایشگاه‌ها و صنایع مرتبط با نفت و گاز را توصیه نموده است همچنین بر واریز بخشی از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی به صندوق توسعه ملی سفارش نموده است.

از آثار و نتایج این قانون می‌توان به بهبود در برخی از قراردادهای جدید نفتی و مشارکت بیشتر بخش خصوصی اشاره کرد. اگرچه تحریم‌ها و موانع بین‌المللی باعث محدودیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش اثربخشی برخی مفاد این قانون شده است.

۵-۱-۷. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی

دولت

قانون فوق مشتمل بر یکصد و چهارده ماده و بیست و هفت تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۰ به تصویب رسیده است. در ماده ۲ این قانون دولت موظف می‌گردد که منابع درآمدی خود را به شیوه‌ای صحیح و مطابق با قوانین تخصیص دهد. این ماده به معنای تخصیص درست منابع حاصل از فروش نفت و گاز به پروژه‌های مرتبط با توسعه این صنعت است به عبارتی این ماده کمک می‌کند تا درآمدهای نفتی به بهینه‌ترین شکل در بخش‌های مختلف از جمله اکتشاف، استخراج، پالایش و توزیع سرمایه‌گذاری شود. ماده ۵ به تسویه بدهی‌ها و مدیریت مالی شرکت‌های نفتی و گازی اشاره داشته که این اقدام باعث کاهش مشکلات مالی در شرکت‌های نفتی، تأمین کنندگان و پیمانکاران می‌شود و به گردش مالی سالم تر در این صنعت کمک

قراردادهای پیمانکاری محسوب می‌شود. قراردادهای Pe بصورت خدمات مهندسی طراحی و خرید به صورت همزمان هستند.

- **قراردادهای خرید و ساخت (pc)**، پروژه‌هایی که مرحله خرید و ساخت تماماً از پیمانکار خواسته می‌شود حالت pc دارند. اکثر پروژه‌های کشور از این دسته هستند.

- **قراردادهای (epc)**، به‌کارگیری روش EPC در اجرای پروژه‌های عظیم صنعت نفت به‌طور چشمگیری افزایش یافته است، به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های در حال اجرا بر این اساس پیش برده می‌شود. پروژه‌های epc دارای اولویت‌هایی همچون سرعت بیشتر و اعمال کنترل مناسب‌تر بر امور و فعالیت‌های اجرایی هستند. در این روش عملیات مهندسی، تدارک و تامین و اجرا به صورت موازی با هم و در قالب یک قرارداد انجام می‌شود.

- **قراردادهای مشارکتی**، قراردادهای مشارکتی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که یکی از آن‌ها موافقت‌نامه‌های مشارکت در تولید است. در این نوع قرارداد، شرکت خارجی متعهد به پرداخت مالیات و در برخی موارد، بهره مالکانه، آموزش نیروی انسانی و همچنین مشارکت دولت میزبان در فرآیندهای اجرایی و مالی پروژه می‌شود. در این موافقت‌نامه‌ها، سهمی از نفت خام تولید شده به پیمانکار پرداخت می‌شود. نحوه گردش مالی در قراردادهای مشارکت در تولید، این گونه است که شرکت نفتی خارجی مسئول تمامی ریسک‌های پروژه می‌باشد. در واقع تأمین وجوه لازم جهت مصرف در عملیات تفحص و اکتشاف مطلقاً بر عهده طرف خارجی است

در مناقصه دعوت می‌گردد در نهایت پس از بررسی شرایط پیمانکاران، پیمانکار موردنظر انتخاب و قرارداد با آن منعقد می‌گردد. «در قراردادهای نفتی، به دنبال استقلال بسیاری از کشورهای نفت خیز و با استناد به حاکمیت ملی نسبت به منابع زیرزمینی، دولت‌ها به نحو مؤثری نسبت به کنترل نحوه اکتشاف، استخراج، تولید و انتقال منابع زیرزمینی نفت و گاز در سرزمین خود اقدام نموده و بر این اساس مقررات آمرای را نسبت به آن وضع می‌کنند تا بتوانند نسبت به حفظ منافع ملی در مقابل منافع اشخاص حقوق خصوصی خارجی اقدام نمایند» (ایرانپور، ۱۳۸۶، ۱۱). «قراردادهای نفتی در ایران در طول تاریخ صنعت نفت همواره موضوع مناقشات فراوانی بوده اند. در کنار تربیت نشدن کارشناسان حقوقی متخصص در قراردادهای حقوق و نفت در طول ۱۰۰ ساله تاریخ صنعت نفت ایران که در بسیاری موارد تضییع و حقوق منافع ملی ایرانیان را در پی داشته است، نوع قراردادها و آثاری که بر مخازن نفتی و منافع ملی حاصل از نفت داشته‌اند همواره مورد مذاقه کارشناسان و فعالان صنعت نفت قرار گرفته است» (شیروی، ۱۳۹۳، ۴۴).

قراردادهای رایج صنعت نفت که در سایت رسمی وزارت نفت نیز درج شده، عبارت است از:

- **قراردادهای طراحی (e)**، قراردادهایی که فقط مرحله طراحی پروژه را شامل می‌شود به قراردادهای e معروف‌اند. مفاد این قرارداد شامل طراحی نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های نفت و پتروشیمی می‌شوند.

- **قراردادهای طراحی و خرید (pe)**، قراردادهایی که شامل مرحله طراحی و تامین کالای پروژه هستند قراردادهای pe نامگذاری می‌شوند. این نوع قرارداد جزء

صورت نقدی بوده و مبلغ آن مشخص و معین است. با این حال، به منظور افزایش انگیزه سرمایه‌گذار خارجی برای ارائه خدمات بهتر، گاهی امتیازاتی همچون خرید بخشی از تولید به او اعطا می‌شود. در شکل ساده‌تر این قراردادها، پرداخت‌ها به صورت حق‌الزحمه مقطوع برای ارائه خدمات خاص انجام می‌شود و در قبال دریافت کمک‌های فنی، سهمی از نفت خام تولیدی به کشور میزبان تعلق نمی‌گیرد.

۲- **قراردادهای ریسکی خدمت**، این نوع قراردادها عمدتاً در عملیات اکتشاف میادین نفت و گاز به کار می‌روند. ماهیت این قراردادها به گونه‌ای است که مسائلی همچون مالیات و بهره مالکانه معمولاً در اولویت کمتری قرار دارند. در صورتی که هیچ کشفی صورت نگیرد، قرارداد به طور خودکار منقضی می‌شود. اما در صورت کشف نفت یا گاز، شرکت ملزم به ادامه فرآیند و رساندن آن به مرحله تولید خواهد بود.

۳- **قراردادهای بیع متقابل**، قرارداد بیع متقابل از جمله قراردادهای خرید خدمت نفتی معمولاً بلندمدت هستند. یعنی، از حداقل ۳ سال تا حداکثر ۲۰ سال ادامه پیدا می‌کنند. در قراردادهای خدماتی بیع متقابل، شرکت سرمایه‌گذار خارجی مسئول تمامی هزینه‌ها و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از جمله نصب تجهیزات، راه‌اندازی پروژه و انتقال تکنولوژی است. پس از تکمیل فرآیند راه‌اندازی، پروژه به کشور میزبان منتقل می‌شود. بازگشت سرمایه و سود حاصل از سرمایه‌گذاری شرکت، از طریق دریافت

بنابراین اگر عملیات اکتشاف منجر به کشف تجاری نشود، شرکت نفت خارجی متقبل هزینه‌های انجام شده خواهد بود (صابر، ۱۳۸۹، ۹۰). دسته دوم: قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری شامل توافقاتی است که در آن، کشور میزبان و شرکت اجرایی به طور مشترک در سود و ریسک‌های مرتبط با قراردادهای نفتی مشارکت می‌کنند. میزان مشارکت طرفین در این قراردادها به تفاوت‌های موجود در موافقت‌نامه‌های امتیازی بستگی دارد، به طوری که دولت به عنوان شریک در تولید حاصل از قرارداد، در سود و زیان آن سهیم می‌شود.

- **قراردادهای خدمت**، یکی از قدیمی‌ترین و پایه‌ای‌ترین انواع روابط قراردادی میان افراد و جوامع به شمار می‌روند که ریشه در تاریخ طولانی تعاملات اجتماعی دارند. در این نوع قراردادها، کشور صاحب منابع نفت، کنترل بیشتری بر اکتشاف و استخراج نفت دارد و شرکت خارجی به نوعی پیمانکار دولت است. این قراردادها، به عنوان نسل سوم قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز محسوب می‌شوند (پیران، ۱۳۸۹، ۵۴). مبنای گردش مالی در قراردادهای خدمت، عبارت است از پرداخت هزینه‌های متحمل شده توسط پیمانکار به علاوه حق‌الزحمه که البته این ساختار در قراردادهای مختلف به شیوه‌های متفاوتی تعیین می‌شود. این نوع از قراردادها در سه دسته قرار می‌گیرند:

۱- **قراردادهای صرفاً خدماتی**، این نوع قراردادها به طور خاص در فعالیت‌های اکتشافی کاربرد ندارند و عمدتاً در مراحل تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند. پاداش این قراردادها به

محصولات تولیدی انجام می‌شود. این نوع قراردادهای در دسته قراردادهای خرید خدمت قرار می‌گیرد زیرا بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری از محل فروش نفت خام و فرآورده‌های آن صورت می‌گیرد. پرداخت‌ها می‌توانند به صورت نقدی یا غیرنقدی انجام شوند. چنین قراردادهایی در کشورهایی که قوانین آن‌ها مالکیت بخش خصوصی یا خارجی بر صنعت نفت را ممنوع کرده‌اند، به طور معمول مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در بررسی مبنای شرعی بودن این نوع قراردادهای با توجه به تقسیم بندی عقود اسلامی به عقود معین و نامعین، به نظر می‌رسد که «بیع متقابل با هیچکدام از عقود معین در فقه و از جمله بیع، قابل انطباق نیست اما مع الوصف به رغم نظریه توقیفی بودن عقود و توقف انعقاد و لازم الوفاء بودن عقد بر نص و تنفیذ شارع مقدس، بنا بر اقتضائات جوامع در عصر کنونی و عموم و اطلاقات آیه شریفه «وفوا بالعقود»، ناظر به همه قراردادهای اعم از معین و نامعین می‌شود (خمینی، ۷۹، ۲۷)؛ بنابراین ظاهراً این قرارداد در زمره قراردادهای نامعین می‌باشد که تراضی طرفین برای لزوم و صحت آن کافی بوده و تحت عموم آیه «وفوا بالعقود» قرار می‌گیرد». (رحیمی و شافع، ۱۳۹۴، ۳۲).

مبنای قانونی بهره برداری از قراردادهای بیع متقابل در بند (ح) تبصره ۲۹ قانون برنامه اول توسعه در سال ۱۳۶۸ نهفته است. در این بند، مجلس شورای اسلامی به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده است تا با شرکت‌های معتبر بین‌المللی قراردادهایی با ارزش حداکثر ۳ میلیارد دلار برای توسعه میادین گازی پارس و پارس جنوبی منعقد نماید، به شرط آنکه تمامی هزینه‌ها از درآمد

حاصل از تولیدات این میادین به طور کامل بازپرداخت گردد. «در قانون بودجه‌ی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴، تحولات مهمی در خصوص قرارداد بیع متقابل نوع اول رخ داد که به شرکت ملی نفت ایران اجازه می‌داد تا برای اکتشاف و توسعه‌ی توأمان میادین نفت و گاز به انعقاد قراردادهای بیع متقابل روی آورد. اجازه‌ی انعقاد این نوع قرارداد بیع متقابل (توأم اکتشاف و توسعه)، در برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه‌ی اقتصادی چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز تصریح شده است. این نوع از قراردادهای، دوره‌ی زمانی سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ را شامل می‌شود. اکتشاف در بلوک‌های نفتی اناران، مهر، خرم‌آباد، کوه‌دشت، گرمسار و ساوه در چارچوب این نوع از قرارداد بیع متقابل صورت گرفت که البته اکثر عملیات‌های اکتشافی فوق ناموفق بودند و به مرحله‌ی توسعه نرسیدند» (خداپرست، ۱۴۰۲، ۱۲).

«بررسی عملکرد قراردادهای بیع متقابل از سال ۱۳۷۹ الی ۱۳۹۳ حاکی از آن است که ۱۶ پروژه بالادستی به پیمانکاران مختلف همچون توتال، شل، انی و سایر شرکت‌های خارجی و داخلی واگذار شد که هدف آن دستیابی به افزایش تولید ۱۰۰۶ هزار بشکه در روز بود اما همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، در دوره مورد بررسی نتایج نشان می‌دهد متأسفانه در خوشبینانه‌ترین حالت، تنها ۵۸ درصد از سطح تولید مذکور محقق شده است. البته برخی از کارشناسان معتقدند تنها ۱۵۰ هزار بشکه که به معنای تحقق ۱۵ درصدی برنامه‌هاست که به صورت پایدار به ظرفیت تولید اضافه شده است» (دفتر مطالعات انرژی، ۱۳۹۸، شماره مسلسل ۱۶۷۸۴).

- قرارداد JPC (Iran petroleum contracts)، در سال ۱۳۹۴، مدل جدید

ترتیب، این فرآیند باید مطابق با آئین‌نامه اجرایی مربوطه صورت گیرد.

«بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی این تبصره مصوب ۱۳۸۸، این خرید خدمت مشروط به حفظ سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت این فعالیت‌ها برای دولت است. حال سؤال اینجاست که آیا در بستر IPC امکان تحقق این شرط وجود دارد؟ بند ۸ ماده ۸ مصوبه هیأت دولت در خصوص الگوی جدید قراردادهای نفتی، تحقق این شرط را غیرممکن می‌کند. این بند تصریح می‌کند که نظارت بر کلیه عملیات طرح در طول قرارداد با کمیته مدیریت مشترک می‌باشد و این کمیته تصمیمات نهایی فنی، مالی و حقوقی در چارچوب قرارداد را اتخاذ می‌کند. بنابراین مصوبه هیأت دولت، خلاف قانون اجرای اصل ۴۴ می‌باشد» (سعیدی، ۱۴۰۳، ۵۱).

همچنین با استناد به ابلاغیه رهبر معظم انقلاب تحت عنوان «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» در سال ۱۳۹۲ و بندهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم این ابلاغیه، مشخص می‌گردد که اولاً، خام فروشی نفت به صراحت، ممنوع اعلام شده و نسبت به میادین مشترک نیز توجه ویژه‌ای صورت گرفته در حالی که در مصوبه هیئت دولت در خصوص الگوی جدید قراردادهای نفتی، این موضوع مغفول مانده است.

علاوه بر موارد فوق، در ماده ۸ این مصوبه، بند (ت) چنین آمده است: «در هر قرارداد کارگروه مشترک مدیریت قرارداد تشکیل می‌شود که نظارت بر کلیه عملیات طرح را برعهده داشته و تصمیمات نهایی فنی، مالی و حقوقی در چارچوب قرارداد، واگذاری پیمان‌های دست دوم و نیز برنامه مالی عملیاتی سالانه را اتخاذ می‌نماید. مسئولیت اجرای عملیات در چارچوب برنامه مالی

قراردادهای نفتی با عنوان قرارداد ipc، رونمایی شد. این قرارداد، شکل ارتقا یافته قراردادهای بیع متقابل است. بارزترین تفاوت آن با بیع متقابل، حضور پیمانکار در دوره بهره‌برداری و مدت‌زمان طولانی قرارداد است. علاوه بر این، دستمزد پیمانکار بر اساس میزان تولید از میدان تعیین می‌شود که تحت تاثیر عواملی مانند قیمت نفت، عامل ۲، سطح تولید و نوع میدان متغیر است. این قرارداد جایگزین قرارداد بیع متقابل در صنعت نفت گردید.

علی‌رغم این که قراردادهای نفتی تحت عنوان IPC، با هدف حفظ و ارتقای جایگاه ایران در اوپک و بازارهای جهانی نفت، تدوین شده‌اند اما به نظر می‌رسد که در مواردی با قوانین و اسناد بالادستی مغایرت دارد. مثلاً در قراردادهای IPC که بهره‌برداری به بخش خصوصی داخلی و خارجی واگذار می‌شود، یک ابهام قانونی وجود دارد و آن این است که براساس ماده ۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز جزو گروه سوم قرار می‌گیرد و لذا واگذاری این فعالیت‌ها به بخش خصوصی از منظر قانونی، دارای منع است. برای برطرف نمودن این محدودیت، استناد به تبصره ۱ بخش ج ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که مقرر داشته است: «خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی از بنگاه‌های غیردولتی در فعالیت‌های گروه سه ماده (۲) این قانون، به شرط حفظ مالکیت ۱۰۰ درصدی دولت، مجاز است، مشروط بر آنکه این خریدها مطابق آئین‌نامه‌ای که ظرف مدت شش ماه به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط به تصویب هیأت وزیران برسد، انجام پذیرد»؛ راهگشاست. بدین

است موجب واگذاری طولانی مدت کنترل و مدیریت منابع به شرکت‌های خارجی شود. این موضوع علاوه بر این که با اصول فقه امامیه درباره ممنوعیت واگذاری مالکیت انفال به غیرمسلمانان یا خارجیان در تضاد است، (زیرا انفال باید تحت کنترل حکومت اسلامی باقی بماند)؛ باعث می‌شود که این قراردادها همیشه در معرض حوادث غیرقابل پیش بینی قرار بگیرند و لذا شرایط اولیه زمان قرارداد تغییر یافته و منجر به ورود ضرر به کشور صاحب منابع شود.

۵-۳. مقررات معاملاتی وزارت نفت

بر طبق اساسنامه شرکت‌های ملی نفت و شرکت ملی گاز، مجمع عمومی شرکت، صلاحیت تصویب آیین نامه‌های معاملات شرکت‌ها را به عهده دارد. بنابراین آیین نامه‌های معاملات شرکت به طور کلی از قوانین کلی دولت و آیین نامه‌های معاملات دولت تبعیت می‌کند. موضوع این معاملات، مربوط است به تعیین پیمانکاران طرف وزارت نفت و شرکت‌های ملی نفت و گاز که مثل سایر سازمان‌های اداری از اصول خاص مواد ۷۹ تا ۸۴ قانون محاسبات عمومی تبعیت می‌کرد و پس از تصویب قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۲، این قانون شامل شرکت ملی نفت و گاز نیز گردید و لذا وزارت نفت و شرکت‌های تابعه از قانون برگزاری مناقصات پیروی می‌کنند.

۵-۳-۱. آیین نامه معاملات شرکت ملی نفت

ایران ۱۳۸۰

یکی از مهم‌ترین اسناد در زمینه خرید و فروش در وزارت نفت، آیین نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران می‌باشد که بنا بر تأکید مدیران تدارکات وزارت نفت، با الزامات تأمین اقلام و تجهیزات مورد نیاز نفتی هم‌خوانی بسیاری داشته و تا زمان ابلاغ قانون برگزاری مناقصات و منع

عملیاتی مصوب برعهده طرف دوم قرارداد می‌باشد. این کارگروه از تعداد مساوی نمایندگان طرف‌های اول و دوم قرارداد با حق رأی مساوی تشکیل می‌گردد. تصمیمات این کارگروه به اتفاق آرا می‌باشد و در صورت عدم توافق، مدیران ارشد و مسئول طرفین تصمیم می‌گیرند». به نظر می‌رسد این بند از مصوبه فوق، دال بر نقض صریح حاکمیت کشور بر منابع نفتی است که در ماده ۲ اصلاح قانون نفت به آن اشاره شده است. «با توجه به این ایرادها برخی از صاحب نظران معتقدند که با نظر به مفاد و قواعد اختصاصی قرارداد نسل چهارم می‌توان دریافت که ایرادات ناشی از انعقاد IPC بالتبع بیشتر از نقاط مثبت آن است» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۳۵).

با توجه به مباحث مطرح شده، ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی علاوه بر حفظ اصول مالکیت و حاکمیت ملی بر منابع نفتی و تضمین رعایت حقوق و منافع ملی در عملیات نفتی و انتقال فناوری و دانش نفتی، شامل افزایش سهم شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای نفتی نیز می‌باشد. این هدف نیازمند درک عمیق از تغییرات بازار جهانی نفت، شناسایی جایگاه و نقش بازیگران کلیدی این بازار، به ویژه شرکت‌های نفتی بین‌المللی و تسلط بر مهارت‌های مذاکره در عرصه نفت است. بنابراین، طراحی و اجرای موفق قراردادهای نفتی مستلزم همکاری مؤثر میان اقتصاددانان، کارشناسان مالی، متخصصان روابط بین‌الملل، حقوق‌دانان نفتی و کارشناسان فنی حوزه نفت است. (درخشان، ۱۳۹۲، ۱۰۸). همچنین ذکر این نکته ضروری است که قراردادهای نفت و گاز ایران در برخی از مدل‌های قراردادهای بین‌المللی (مانند قراردادهای بیع متقابل و مدل‌های جدید قراردادهای نفتی IPC) ممکن

برداری از میادین نفت و گاز است. بازبینی ظرفیت‌های قانونی و شرایط واقعی پروژه‌ها حکایت از این داشت که تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز، نیازمند توسعه و تنوع در طراحی و استفاده از ابزارهای مختلف تأمین مالی است؛ لذا طرح تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۴۰۲ از طریق اصلاح قوانین حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و رفع موانع تولید رقابت‌پذیر به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون که مشتمل بر ۴۶ ماده است؛ تسهیلاتی را در جهت تأمین مالی طرح‌های زیربنایی از قبیل تأمین و انتقال انرژی در تمام بخش‌های اقتصادی فراهم نموده است. هدف از این قانون، توسعه و تسهیل تأمین منابع مالی برای بخش‌های دولتی و زیرساختی کشور است. این قانون به فضای نهادی تأمین مالی کشور ورود کرده تا با استفاده از اصلاحات نهادی، هزینه تأمین مالی در کشور را کاهش دهد (موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۴۰۳، ۵). این قانون دارای ویژگی و مزیت‌هایی است از قبیل:

- توسعه نظام مالی و سنجش اعتبار و ضمانت
- در این قانون با پیش‌بینی ابزارهای مالی نوین همچون اوراق گام (گواهی اعتبار مولد) و تنزیل مطالبات قراردادی (فاکتورینگ) در جهت توسعه نظام مالی گام‌های مثبتی برداشته است
- تسهیل تأمین مالی خارجی
- یکی از مزایای این قانون، رفع موانع و محدودیت‌های موجود در زمینه تأمین مالی خارجی برای بخش‌های تولیدی و زیرساختی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به سرمایه

بخش قابل توجهی از دستگاه‌های دولتی از اجرای آیین‌نامه‌های داخلی (از جمله وزارت نفت)، راهنمای کمیسیون‌های مناقصات در شرکت‌های تابعه وزارت مذکور بوده است. در حال حاضر طبق ماده ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۲، آیین‌نامه مذکور صرفاً در میادین مشترک و با تنفیذ وزیر محترم نفت کاربرد دارد. ماده یک در تبیین معاملات مشمول آیین‌نامه اشعار دارد: «انواع معاملات از قبیل خرید و فروش و ساختمان و حمل و نقل و واگذاری نمایندگی و ارجاع خدمات فنی و غیرفنی و مشاوره و غیره شرکت، طبق این آیین‌نامه به عمل خواهد آمد و هیأت مدیره تعیین خواهد نمود که انجام هر یک از معاملات مزبور در صلاحیت کدامیک از ادارات تابعه شرکت است و ادارات مربوط در مورد معاملات فوق طرف مراجعه کمیسیون معاملات مذکور در این آیین‌نامه خواهند بود».

آیین‌نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران ضمن پیش‌بینی معاملات خاص نفتی ویژه از قبیل پیش‌بینی بیع متقابل و معاملات تهاتری (صرفاً با شرکت‌های نفتی، ماده ۶۲)، تجدید سفارش به شرکت‌های داخلی، تبصره ۵ ماده ۱۳ و خارجی، بند ج ماده ۱۵، بدون نیاز به استعلام مجدد در خرید با نصاب متوسط، اولویت بخشی به شرکت‌های دولتی در شرایط برابر، (ماده ۲۱) از جمله مواردی است که در راستای تسریع در پیشبرد طرح‌ها و پروژه‌های نفتی تدوین گردیده است.

۵-۳-۲. قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها مصوب ۱۴۰۳

تأمین مالی پروژه‌های بخش بالادستی نفت و گاز به دلیل پرهزینه بودن مراحل اجرایی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های راه‌اندازی، توسعه و بهره

گذاران خارجی با تسهیل صدور اوراق قرضه بین‌المللی است. با وجود مزیت‌های این قانون، در صورتی موجب بهبود وضعیت فعالان اقتصادی خواهد شد که به صورت کامل اجرایی شده و یک سیستم نظارتی کامل و کارآمد به ارزیابی مستمر عملکرد قانون بپردازد.

۶. نتیجه

فقه اسلامی، چارچوبی تثبیت شده برای معاملات اقتصادی بر اساس اصول عدالت، انصاف، مالکیت عمومی، حاکمیت اصول اخلاقی و سودآوری ارائه می‌دهد. با این حال، در بخش نفت و گاز، به کارگیری این اصول در ماهیت پیچیده ابزارهای مالی، تجارت بین‌الملل و قوانین سرمایه‌گذاری، چالش‌های مهمی همچون: ممنوعیت ربا، ممنوعیت غرر (عدم قطعیت بیش از حد)، قاعده میسور را به همراه دارد. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز که با ابتدای به مبانی فقه شیعه تشکیل گردید، قانون‌گذار قانون اساسی در خصوص مشارکت بخش خصوصی به طور عام و سرمایه‌گذار خارجی به طور خاص، محدودیت‌هایی را اعمال نمود. با بررسی دقیق اصول قانون اساسی، مشخص می‌شود که هرچند به طور صریح به الگوی قراردادی خاصی در زمینه اکتشاف، تولید و فروش نفت و گاز اشاره نشده است، اما مفاد برخی اصول آن، از جمله اصول ۴۴، ۴۵، ۸۱ و ۱۵۳، حاوی احکامی است که تأثیر قابل توجهی بر انتخاب الگوی قراردادی مناسب در حوزه نفت و گاز دارند و محدودیت‌هایی را در این زمینه اعمال کرده‌اند. از بررسی قراردادهای نفت و گاز ایران و تطبیق آن با مبانی فقهی مشخص گردید که در برخی از مدل‌های قراردادهای بین‌المللی (مانند قراردادهای بیع متقابل و مدل‌های جدید

قراردادهای نفتی IPC ممکن است موجب واگذاری طولانی‌مدت کنترل و مدیریت منابع به شرکت‌های خارجی شود. این موضوع علاوه بر این که با اصول فقه امامیه درباره ممنوعیت واگذاری مالکیت انفال به غیرمسلمانان یا خارجیان در تضاد است؛ باعث می‌شود که این قراردادها همیشه در معرض حوادث غیرقابل پیش‌بینی قرار بگیرند و لذا شرایط اولیه زمان قرارداد تغییر یافته و منجر به ورود ضرر به کشور صاحب منابع شود. همچنین از آن جایی که فقه اسلامی بر استفاده اخلاقی از منابع و عدالت اجتماعی تأکید دارد؛ رعایت اصول استفاده پایدار از منابع، اصل استصلاح و مسئولیت اجتماعی در تمام فعالیت‌های حوزه نفت و گاز ضروری است. صنعت نفت ایران به عنوان یک از حیاتی‌ترین صنایع کشور، همواره تحت تأثیر الزامات قانونی متعددی بوده است و علاوه بر قوانین عمومی و بالادستی کشور، از قوانین و مقررات اختصاصی متعددی هم تبعیت می‌کند. به نظر می‌رسد ایجاد یک چارچوب قانونی جامع و شفاف در حوزه قوانین نفت و گاز می‌تواند منجر به جذب سرمایه‌گذاری بیشتر، کاهش فساد و ارتقاء توسعه پایدار گردد. در این راستا، انجام اصلاحات لازم در قوانین و تمرکز بر تقویت نهادهای نظارتی و بازبینی حقوقی قراردادهای صنعت نفت به نحوی که همسو و متناسب با اقتضات زمانی و مکانی و تحولات جهانی باشد؛ موجب بهره‌برداری بهینه از تمام ظرفیت‌های این صنعت خواهد شد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم
- ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۷)، انواع قراردادهای نفتی تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، ۳۸-۲۵.
- پیران، حسین، (۱۳۸۹)، مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، تهران: گنج دانش.
- خداپرست، ناصر، (۱۴۰۲)، قراردادهای جدید نفت و گاز ایران، تهران: انتشارات میزان.
- درخشان، مسعود، (۱۳۹۲)، ویژگی های مطلوب قراردادهای نفتی، رویکرد اقتصادی تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، ۳(۹)، ۱۱۳-۵۳.
- رحیمی، فتح الله، شافع، میر شهبیز، (۱۳۹۴)، قرارداد بین المللی نفتی بیع متقابل و موقعیت آن در رویارویی با عقود اسلامی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲(۱)، ۵۶-۲۹.
- سعیدی، یاسمن، (۱۴۰۳)، بررسی قراردادهای نفتی IPC برای دستیابی به اهداف بالادستی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای فقه، ۱۸، ۶۳-۴۳.
- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۳)، حقوق نفت و گاز، تهران، نشر میزان.
- صابر، محمدرضا، (۱۳۸۹)، بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز، تهران: نشر دادگستر.
- گودرزی، زهرا، باقری، محمود، (۱۳۹۴)، تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی. مطالعات حقوق انرژی، ۱(۲)، ۱۵۳-۱۶۶.
- گودرزی، زهرا، رستمی، ولی، (۱۳۹۷)، تحلیل ماهیت درآمدهای شرکت ملی نفت ایران و نظام حقوقی حاکم آن، مطالعات حقوق انرژی، ۴(۲)، ۵۴۵-۵۱۷.
- محبی، محسن، (۱۳۸۶) «مباحث حقوقی نفت و گاز در پرتوی رویه داوری بین المللی». انتشارات شهر دانش، تهران، صص ۲۵۶-۱۶۳.
- محمدی سام، اصغری آقمشهدی فخر الدین، حاجی حسینی محمد جواد، (۱۳۹۶)، بررسی قواعد اختصاصی قراردادهای بالادستی نفت با تأکید بر قرارداد جدید نفتی موسوم به IPC، دو فصلنامه حقوق، ۳(۹)، ۱۳۶-۱۱۳.
- محمدی سام، اصغری آقمشهدی فخر الدین، حاجی حسینی محمد جواد، (۱۳۹۶)، بررسی قواعد اختصاصی قراردادهای بالادستی نفت با تأکید بر

قرارداد جدیدنفتی موسوم به IPC، دو فصلنامه حقوق، ۳(۹)، ۱۳۶-۱۱۳.

- موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، (۱۴۰۳)، گزارش سیاستی الزامات اجرای قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها، نشر ره نگار.
- هاشم زاده، اکبر، (۱۴۰۰)، مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر معاملات مناقصات صنعت نفت، تهران: انتشارات دانش بنیاد.

